



باید اسلامیت ها را به زیر کشید!

در دفاع از امینه تایلر در تونس

تلویزیون آزادی زن

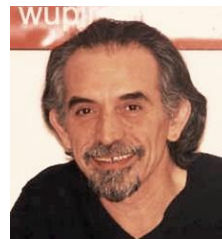
بزودی از شبکه هات برد آغاز بکار میکند!



شیرین عبادی:
"جمهوری اسلامی از اسلام
سوء استفاده میکند!"
مدافع رژیم اسلامی یا آزادی زن؟

صفحه 2

آذر ماجدی



جنبشهای اجتماعی و مسئله آزادی زن

بخش اول

صفحه 5

سیاوش دانشپور

حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار به چاپ رسید!

ستون اول،

پیام سازمان آزادی زن بمناسبت اول ماه مه!

برای افزایش دستمزدها و حق رفاه همگانی!

زنان و مردان آزادیخواه!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر است. اما این روز صرفاً روز کارگران نیست، روز همبستگی کلیه آزادیخواهان جهان است. روز اعلام تعهد به ساختن یک دنیای آزاد و برابر، یک دنیای بهتر است، دنیایی که در آن همه انسان ها، صرفنظر از جنسیت، نژاد، ملیت و مذهب با یکدیگر برابرند. این روز، روز آزادی و برابری است. این روز را باید گرمی داشت. جنبش آزادی زن نیز باید در گرمی داشت هر چه باشکوه تر اول ماه مه سهمیم باشد. آرمان رهایی بخش و برابری طلبانه طبقه کارگر نوید بخش رهایی زنان نیز هست. در این روز به مراسم گرمی داشت اول ماه مه بپیوندید.

فعالین جنبش آزادی زن!

در فرصتی که تا اول ماه مه باقیست، خود را برای شرکت در گرمی داشت این روز آماده کنید. تلاش کنید که شعارها و پرچم هایی که در آن خواست های جنبش آزادی زن حک شده است برای این روز آماده شود. این مطالبات را بر دیوارها بنویسید. شعار محوری اول ماه مه امسال اعتراض به حداقل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و خواست افزایش دستمزدها و حق رفاه همگانی است. این خواست زنان نیز هست و بسیاری از زنان کارگر، پرستار و معلم حقوقی بسیار پایین تر از سطح کنونی حداقل دستمزدها دریافت می کنند، این خواست برای بسیاری از زنان یک خواست حیاتی است. این شعار را وسیعاً تبلیغ کنید. امسال جنبش آزادی زن باید همبستگی خود را با جنبش رهایی طبقه کارگر آشکار و بیان کند. رهایی کامل زنان به پیروزی کامل این جنبش بستگی دارد.

زنده باد اول ماه مه!
زنده باد آزادی و برابری!

آذر ماجدی، 31 مارس 2013

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



پرسید، آن زمانی که بنظر ایشان جمهوری اسلامی هم جمهوری بود و هم اسلامی، چه مرحله ای از تاریخ این رژیم سیاه، جنایتکار و زن ستیز است؟

آیا دهه شصت را بعنوان چنین مرحله ای قبول دارند؟ دهه ای که بیش از صد هزار نفر در زندانهای مخوف رژیم زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند و اعدام شدند؟ دهه ای که هزاران جوان را در گورهای دستجمعی مدفون کردند و مادران و پدران و عزیزان آنها، هنوز از محل دفن آنها بیخبرند؟ زمانی که دختران باکره بیش از اعدام مورد تجاوز قرار میگرفتند تا طبق احکام اسلامی به بهشت نروند؟ آیا زمانی که زنان را به زور به زیر حجاب بردند، این رژیم اسلامی بود؟ آیا زمانی که آپارتاید جنسی را به زور شلاق و سرکوب در جامعه حاکم کردند، این رژیم بنظر ایشان اسلامی و جمهوری بود؟ آیا زمانی که پسر بچه ها را با یک کلید حلبی به دور

صفحه 3

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

شیرین عبادی:

"جمهوری اسلامی از اسلام سوء استفاده میکند!" مدافع رژیم اسلامی یا آزادی زن؟

آذر ماجدی

شرایط است که میتوان کاملا و بدون هیچ تردیدی نتیجه گرفت که دفاع ایشان از اسلام و مبارزه در چهارچوب حکومت اسلامی نه یک ملاحظه امنیتی - تاکتیکی، بلکه اعتقاد عمیق ایشان است. ایشان به جبهه اصلاح طلبان حکومتی تعلق دارد. ایشان خواهان ایجاد اصلاحاتی قطره چکانی در حکومت اسلامی است. ایشان مخالف سرنگونی رژیم اسلامی و ایجاد یک نظام سکولار، مبتنی بر جدایی دین از دولت و آزادی کامل و برابری واقعی زن و مرد است. البته ما به حق هر انسانی برای اعتقاد به هر عقیده و مرامی حتی ارتجاعی ترین ها احترام میگذاریم. اما در عین حال حق مسلم خود میدانیم که بعنوان مدافعین پر و پا قرص آزادی و برابری، بعنوان پیشروان و فعالین پیگیر و خستگی ناپذیر آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی نظرات ارتجاعی را مورد نقد شدید قرار دهیم.

خانم عبادی اخیرا در یک کنفرانس مجامع مذاهب مختلف در فرانکفورت، آلمان، اعلام کرده است: "صاحبان قدرت در ایران برای تحقق اهداف سیاسی خود از اسلام سوء استفاده می کنند." و اضافه کرده است که "جمهوری اسلامی دیگر نه اسلامی است و نه جمهوری." این اظهارات نیاز به هیچ شرح و توضیحی ندارد. بسیار روشن است. فقط جالب اینجاست که ایشان میگوید "دیگر" "نه اسلامی است و نه جمهوری!" باید از ایشان

خانم شیرین عبادی بعنوان مدافع حقوق زن شهرت یافته است. اما انسان گاهی حیران میماند که آیا ایشان بیشتر مدافع حقوق زن است یا مدافع اسلام؟ کلمات قصار ایشان از قبیل "حقوق زن با اسلام در تناقض نیست." اکنون شهره خاص و عام است و حتی در اعلامیه کمیته صلح نوبل نیز ثبت شده است. "کفر گویی" های اخیر ایشان که چند همسری را مغایر با اسلام و گفته های "پیغمبر اسلام" نامیده است نیز باید در کتاب رکوردهای "گینس" بعنوان رکورد در تحریف حقیقت به ثبت رسد. نقد ما به خانم عبادی برای دفاع از اسلام و خاک پاشیدن به چشم مبارزین آزادی زن تاریخی طولانی دارد. اما طی این مدت ما همواره کوشیده ایم که ملاحظات و خطرات فعالیت تحت رژیم اسلامی را نیز در نقدمان ملحوظ کنیم. بارها گفته ایم که ما انتظار نداریم ایشان صریحا اعلام کند، آزادی زن و برابری زن و مرد در چهارچوب رژیم اسلامی امکانپذیر نیست. میدانیم که ملاحظات امنیتی را باید در نظر گرفت. اما گفته ایم که اگر ایشان خود را مدافع حقوق زن میدانند، نباید از اسلام دفاع کند و اسلام را مدافع حقوق زن معرفی کند. این خاک پاشیدن به چشم زنان و مردم آزادیخواه است.

خانم عبادی اکنون مدتی است که مقیم غرب است. هر روز از یک سخنرانی در یک مجمع حکومتی، به یک مصاحبه با رسانه های بسیار "حقیقت گوی" طرفدار اصلاح طلبان حکومتی میروند. ایشان در تمام این فرصت ها به شکلی پیگیر و مومنانه از اسلام دفاع میکند و اخیرا صریحا با سکولاریسم هم مخالفت ورزیده است. در این

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

تمام بضاعت مدافع حقوق بشری است که برای فعالیت هایش جایزه نوبل هم گرفته است. جالب اینجاست که در همین یک تکه صحبت هم باز از یادش نمیرود که از اسلام دفاع کند.

دفاع از اسلام با حقوق زن در تناقض است

در سوال دیگری، مصاحبه شونده می پرسد که جمهوری اسلامی در پاسخ به درخواست بانکی مون در حفاظت از جان شما گفته است: "موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌های شما با گرایش‌های مذهبی مردم مغایرت دارد و به همین دلیل ما نمی‌توانیم از جان ایشان محافظت کنیم. آیا شما این حرف را قبول دارید؟ آیا شما حرفی مغایر با گرایش‌های مذهبی مردم ایران زده‌اید؟" خانم عبادی در پاسخ چنین می‌گوید:

"من همواره مدافع اسلام بوده‌ام و اساساً تزی که باعث شد من برنده جایزه نوبل صلح شوم، این بود که اسلام و حقوق بشر با هم انطباق دارند. حرف ما این است که اسلام منشأ حقوق بشر است. آنچه که اسلام در شیوه رفتار با مردم می‌گوید، منشأ حقوق بشر است و به خاطر دفاع از اسلام است که من گاهی اوقات حتی مورد بی‌مهری افرادی که به اسلام اعتقاد ندارند قرار می‌گیرم. اما جالب است که دولت ایران حرف من را که همیشه مستند به آیات قرآنی است و در حمایت از اسلام است، مخالف اسلام معرفی می‌کند."

خانم عبادی نه تنها در ایران بلکه همچنین طی فعالیت در خارج کشور، پیگیرانه و مستمر و بشکلی صریح و علنی از اسلام دفاع کرده است و مخالفت خود را با سکولاریسم، با این بهانه که مردم ایران برای سکولاریسم آماده نیستند، اعلام نموده است. خانم عبادی بعنوان یکی از مدافعین جمهوری

صفحه 4

شیرین عبادی:

"جمهوری اسلامی از اسلام سوء استفاده میکند!" مدافع رژیم اسلامی یا آزادی زن؟ ...

دستور دادگاه از کوه پرت کردند و بدنش تکه تکه شد و تکه‌های بدنش را جمع و دفن کردند. من در آن زمان در ایتالیا بودم. در این خصوص خبرنگاری با من مصاحبه کرد و نظر من را راجع به این نوع مجازات پرسید. من گفتم هرکس هرکاری که کرده باشد، اگر مستحق قتل است، دیگر چرا به این صورت فجیع مردم را می‌کشید که از کوه پرت کنید تا بدنش تکه تکه شود؟ آنچه که مورد مخالفت من در آن مصاحبه بود، مجازات‌های خلاف ضوابط حقوق بشری و بلکه خلاف انسانیت و خلاف اسلام بود. در هیچ جای قرآن نوشته نشده که یک آدم ولو هر عمل بدی انجام داده باشد، از کوه پرتش کنند و بدنش تکه تکه شود و بعد پاسدارها بیایند و آن تکه‌ها را جمع کنند و او را دفن کنند. این چه شیوه اعمال مجازات و اجرای قانون است؟ من به اینگونه امور اعتراض دارم."

یکی دیگر از القاب خانم عبادی مدافع حقوق بشر است. این سخنان را یکبار دیگر بخوانید! ایشان دفاع از همجنس‌گرایان را بعنوان اتهامات و دروغ‌های ایرنا و روزنامه‌های دولتی ایران رد می‌کنند. تنها نقد ایشان به نوع اعدام این فرد همجنس‌گرا است، نه نفس اعدام یا حتی مجازات همجنس‌گرایان. ایشان از حقوق برابر و انسانی همجنس‌گرایان دفاع نمی‌کنند. فقط به پرت کردن آنها از کوه اعتراض دارد. می‌گوید: جور دیگری اعدامش می‌کردید. راستش با خواندن این مصاحبه به قول اصطلاح عامیانه "مغر انسان سوت میکشد!" این

گردنشان به روی مین‌های جبهه جنگ می‌فرستادند این نظام بنظرشان اسلامی و جمهوری بود؟ آیا زمانی که به کردستان لشکرکشی کردند و مردم را به خاک و خون کشیدند و جوانانی که در مقابلشان ایستادگی کردند حتی روی برانکار به گلوله بستند، آن زمان این نظام اسلامی و جمهوری بود؟ این سوالات را باید در مقابل خانم عبادی گذاشت و از ایشان پاسخ صریح طلب کرد. هر کس حق دارد به هر چه می‌خواهد اعتقاد داشته باشد، اما هیچکس مجاز نیست جنیش آزادیخواهانه مردم، جنیش آزادی زن و تمام آن جوانان و زنان و مردانی که قهرمانانه در مقابل این رژیم اسلامی جنایت و سرکوب ایستادگی کرده اند، به بازی بگیرد. دودوزه بازی باید از صحنه مبارزات آزادیخواهانه مردم طرد شود. این گفته وفا سلطان در مورد اسلام وصف حال خانم عبادی است: "شما میتوانید به هر سنگی می‌خواهید اعتقاد داشته باشید، بشرط آنکه سنگ را بطرف من پرتاب نکنید."

دفاع از همجنس‌گرایان اتهام دولتی!

اظهارات خانم عبادی در یک مصاحبه با رادیو دویچه وله، بخش فارسی، حیرت برانگیز تر است. در رابطه با گزارش بانکی مون، دبیر کل سازمان ملل، از ایشان پرسیده شده: "آیا در پرونده‌های شما تا به حال دفاع از همجنس‌گرایان و دفاع از سازمان سیا بوده؟" ایشان پس از مقدماتی در مورد اتهام پراکنی ایرنا و غیره چنین می‌گوید:

"اما آنچه که باعث شده این روزنامه‌ها و همچنین ایرنا من را مدافع همجنس‌گرایان بخواند، آن است که در یک محاکمه، فردی را که متهم به همجنس‌گرایی بود، طبق

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

باید اسلامیت ها را به زیر کشید!

در دفاع از امینه تایلر در تونس

عروج جنبش اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا بدنبال خیزش عظیم توده های مردم، به یک جنبش وسیع ضد اسلامی در مصر و تونس دامن زده است. در ماههای اخیر موجی از تظاهرات و اعتراضات وسیع این دو کشور را فرا گرفته است؛ ترور شگری بالعید، رهبر جبهه چپ و سکولار در تونس موجب یک اعتراض وسیع و میلیونی در این کشور شد. در مصر نیز طی هفت ماه اخیر این کشور مداوما شاهد تظاهرات علیه دولت مصری و درگیری و زد و خورد مردم با سازمان اخوان المسلمین بوده است. نقش زنان در این اعتراضات بسیار برجسته است؛ اذیت و آزار جنسی و تجاوز به زنان معترض توسط نیروهای حکومتی و ارازل و اوباش اسلامی نتوانسته زنان را خاموش کند و به عقب بنشانند. یک نبرد سخت میان نیروهای آزادی زن، چپ، سکولار، کارگری و آزادیخواه و برابری طلب و اسلامیت ها منطقه را در بر گرفته است. باید اسلامیت ها را به زیر کشیم.

سال گذشته یک دختر جوان مصری بنام علیا ماگدالمهدی عکس برهنه خود را در اعتراض به مردسالاری و جنبش اسلامی در اینترنت منتشر کرد و هیاهوی بسیاری در این کشور آفرید. اکنون علیا از مصر خارج شده و در اروپا پناهنده شده است. اخیرا یک دختر ۱۹ ساله تونسی بنام امینه تایلر دو عکس از بدن نیمه برهنه خود را در صفحه فیس بوک سازمان فمینیستی فم منتشر کرد. امینه در یکی از عکس ها به انگلیسی علیه اخلاقیات حاکم شعار داده و در عکس دیگر به عربی نوشته: "بدن من متعلق بخودم است و ناموس هیچکس نیست." بدنبال انتشار این عکس یک آخوند کپک زده، مسئول اداره امر به معروف و نهی از منکر تونس اعلام کرد که این دختر باید سنگسار و قرنطینه شود. گزارش شده که پدر و مادر امینه او را به بیمارستان روانی منتقل کرده اند.

انتشار عکس های امینه و بدنبال آن فتوای آخوند مرتجع تونسی هیاهوی بسیاری براه انداخت. هم اکنون پتیشنی در سایت change.org در دفاع از امنیت و آزادی امینه منتشر شده است که تاکنون نزدیک به ۷۴ هزار نفر آنرا امضاء کرده اند. باید همصدا علیه این حکم ارتجاعی و قرون وسطایی اعتراض کرد. باید دولت تونس را زیر فشار همبستگی بین المللی و ادار بدفاع از جان و امنیت امینه سازیم. این تلاشی در دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی زن و علیه قوانین زن ستیز و ارتجاعی اسلامی است.

سازمان آزادی زن همانگونه که قاطعانه از جان و آزادی علیا ماگدالمهدی دفاع کرد و موجبات خلاصی او از خطر و پناهندگی به اروپا را فراهم آورد، از جان و امنیت و آزادی امینه نیز قاطعانه دفاع خواهد کرد.

کسانی که مایلند پتیشن فوق را امضاء کنند به لینک زیر رجوع کنند:

<http://www.change.org/petitions/petitioning-tunisian-government-amina-must-be-safe>

سرکوب زن ممنوع! ستم بر زن موقوف!

زنده باد آزادی زن!

سازمان آزادی زن

۲۳ مارس ۲۰۱۳

شیرین عبادی:

"جمهوری اسلامی از اسلام

سوء استفاده میکند!"

مدافع رژیم اسلامی یا آزادی زن؟ ...

اسلامی، در کنار شخصیت های اصلی اسلامی جناح اصلاح طلب حکومتی، از قبیل گنجی، مخمباف، سازگارا و امثالهم عملا از جمهوری اسلامی دفاع کرده است. ایشان مخالف جمهوری اسلامی نیست. ایشان خواهان به زیر کشیدن این نظام زن ستیز جنایتکار قرون وسطایی نیست. ایشان خواهان یک نظام اسلامی کمی اصلاح شده یا بهتر بگوییم کمی بزک شده است. خانم عبادی را باید همانگونه که هست، به مردم معرفی کرد. خانم عبادی نه مدافع حقوق زن، نه مدافع آزادی زنان، بلکه مدافع اسلام و رژیم اسلامی است. مدال مدافع حقوق زن یا حقوق بشر را باید با یک مدال واقعی جایگزین کرد: مدافع نظام اسلامی.

* این نوشته پیش از این در نشریه برای یک دنیای بهتر بچاپ رسیده است. بعلت موضوعیت روز آن در این شماره آزادی زن باز چاپ می شود.

حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل 150 کرون سوئد، 15 یورو یا 20 دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوئد ارسال شود:

نام بانک در سوئد: PlusGiro

شماره حساب در سوئد: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS

شماره حساب به فرم IBAN:

SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی:

wlshahla.n@gmail.com

اسلام ضد زن است!



سیاوش دانشپور

جنبشهای اجتماعی و مسئله آزادی زن

بخش اول

وضعیت ویژه ایران و جایگاه مهم مسئله زن در جامعه، مسئله استراتژی سیاسی جنبش آزادی زن را برجسته میکند. کدام استراتژی و کدام سیاستها و روشها میتواند پیشروی جنبش آزادی زن را تضمین کند و نهایتاً آنرا به پیروزی برساند؟

برخلاف دوره انقلاب 57، واقعیت اجتماعی مسئله زن و وجود یک جنبش وسیع حقوق زنان در ایران باعث شده است که جریانات جدی سیاسی و جنبشهای اصلی اجتماعی مسئله زن را در سیاست و برنامه خود وارد کنند. در ایران نمیتوان از آزادی سخن گفت و به مسئله زن بی تفاوت بود. هر نوع آزادیخواهی بناچار باید مسئله زن را برسمیت بشناسد و به آن پاسخ دهد. حتی نمایان آپارتاید اسلامی و باندهای حکومتی تلاش میکنند در مضحکه های انتخاباتی با عوامفریبی بنوعی به مسئله زن رجوع کنند. در چند شماره نشریه و برای طرح بحث تلاش میکنیم جایگاه مسئله زن برای جنبشها و گرایشهای اجتماعی را بررسی کنیم و از دیدگاه سوسیالیستی و کمونیستی کارگری به مسئله آزادی زن بپردازیم.

1- جنبش ملی - اسلامی

جنبش ملی - اسلامی طیفی وسیع از سازمانها و جریانات و رسانه ها و کمپین ها را در داخل و خارج ایران دربرمیگیرد که از حمایت رسانه های غربی و نهادها و بنیادهای دست راستی نیز برخوردارند. موضع سیاسی تک به تک این جریانات در قبال مسئله زن عموماً و سوالات مشخص سیاسی جنبش زنان خصوصاً ضرورتاً یکی نیست اما در اساس یک استراتژی سیاسی مشترک دارند. با فرض استثنائاتی و جابجائی های سیاسی در

مسئله زن در ایران یکی از محوری ترین مسائل سیاسی و اجتماعی است که بناچار خود را به هر تحول سیاسی تحمیل میکند.

اولاً، در ایران یک جنبش وسیع اجتماعی برای آزادی زن وجود دارد که در اولین روزهای بقدرت رسیدن ارتجاع اسلامی در سال 57 در مقیاس توده ای و با شعارهای آزادیخواهانه و خواستهای مدرن و جهانشمول علیه حجاب و جنبش اسلامی در قلمرو سیاست ابراز وجود کرد. ثانیاً، اگرچه ارتجاع اسلامی روی دوش قتل عام و سرکوب خونین و پاکسازی و زندان نهایتاً قادر شد حجاب را بر زنان تحمیل کند و رسماً و علناً پرچم آپارتاید جنسی را در یکی از مهمترین کشورهای منطقه برافرازد، با اینحال مقاومت و جنگ زنان علیه قوانین اسلامی و کشمکش با رژیم ضد زن اسلامی بیوقفه ادامه داشته است. ثالثاً، تقابل رژیم اسلامی با زنان و سرکوب زنان در ایران قبل از اینکه موضوعی مختص به زنان باشد یک بارومتر سیاسی در جامعه بوده است. همیشه و همواره تعرض به زنان نمادی برای عقب راندن نارضایتی عمومی و سرکوب سیاسی بوده است. آپارتاید جنسی و ضدیت با زنان یک رکن مهم ایدئولوژی حکومت اسلامی و یک رکن اساسی جنبش اسلام سیاسی است. هرچا اسلاميون بقدرت میرسند اولین تعرض را به زنان و اولین قوانین را علیه زنان تصویب میکنند. در ایران این موضوع فراتر از نفس قوانین و تحمیل بیحقوقی به زنان است. در ایران تقابل با زنان شاخصی برای مقابله با آزادیخواهی و برابری طلبی است. آزادیخواهی ای که در جوهر خود با کل حکومت اسلامی و نفس اسلام در تقابل است.

معادله سیاسی در ایران اینست: با حکومت اسلامی و تداوم سرکوب و بیحقوقی زنان و یا سرنگونی انقلابی این نظام بعنوان پیش شرط آزادی و رهائی زنان.

سالهای اخیر، کل این جنبش مخالف سرنگونی جمهوری اسلامی است. کل این جنبش همواره از جناحی از حکومت و از این طریق از کل حکومت اسلامی دفاع کرده است و هنوز علیرغم شکست کامل استراتژی سیاسی شان از خط مشی "اصلاح حکومت" و "مبارزه مسالمت آمیز" و "در چهارچوب قانون" به طرق مختلف دفاع میکنند. مسئله زن برای جریانات این جنبش نه مسئله ای قائم بذات و امری اجتماعی بلکه مسئله ای ابزاری است. برای این جریانات از یکسو قرار است زنان نیروی پیشروی "اسلام خوش خیم" در جدال درون حکومتی شوند و از سوی دیگر افق آزادی و برابری زن و مرد را در چهارچوب ارتجاع اسلامی و نظام بورژوازی اسیر کنند. بعنوان مثال در میان این جریانات مانند کلیه جناح های بورژوازی تمایل به فمینیسم و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان گرایشی عمومی است. در عین حال بخشی که بیشتر به حکومت اسلامی متکی اند از همین سطح محقر هم عقب تر میروند. این جناح جنبش ملی اسلامی که شیرین عبادی از سخنگویان آنست تلاش دارد بین اسلام و حقوق زن پل بزند و برای استیفای حقوق زن سراغ دایناسور- آیت الله های کپک زده و متون اسلامی و خود قرآن میروند. از نظر تاکتیکی این جریان بحدی عقب مانده است که به سنتی ترین روشها در جامعه قرن بیست و یکمی ایران چنگ میزند تا بیگانگی کامل خود را با تمایل به آزادی زن در میان نسل جدید و میلیونها زن نشان دهد.

سابقه حکومتی در قیاس با دیگر نیروهای ناسیونالیست در این کمپ بیشتر میتواند چهارچوبهای سیاسی و افق این جنبش را نمایندگی کند.

ناسیونالیسم پرو غرب و مشخصا سلطنت طلبان جنبش و جریانی است که وضعیت سابق را میخواهد اعاده کند. منطق مقایسه دوره امروز با دوره سابق، تا به مسئله زن مربوط است، نقطه عزیمت این جنبش و جریانات متفرقه آنست. این جنبش از گذشته البته بجز مسئله کشف حجاب رضاخانی که آنها به نیازها و ضروریات رشد سرمایه داری در ایران پاسخ میداد، از نظر تاریخی و قوانین چیزی برای عرضه ندارد. از قانون خانواده تا تصویب قوانین در مشورت با آخوندها و تطبیق با شرع انور واقعیاتی هستند که امروز چنگی بدل نمیزنند. تنها موردی که ناسیونالیستهای پرو غرب میتوانند روی آن مانور بدهند مسئله حجاب است و آنها در مقابل حجاب اجباری حکومت اسلامی بر "لغو حجاب اجباری" تاکید دارند. نظام سلطنتی دولت و حکومتی سکولار نبود بلکه در سازشی با اسلام و قوانین اسلامی قرار داشت. ناسیونالیسم در قیاس با اسلام در توازن بهتری قرار داشت. شرایطی که ویژه همه دیکتاتوریهایی سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه بود.

امروز این جریان با بخش مهمی از جنبش ملی اسلامی در کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و بیانیه حقوق بشر فصل مشترک دارد. برای این جنبش حقوق و آزادی زن امری جهانی و جنبشی برای برابری کامل با مردان نیست بلکه "زن ایرانی" قرار است گوشه ای از جنبش و حرکتی باشد که قرار است حاکمیت بورژوازی جدید بعد از جمهوری اسلامی را اعاده کند. هدف سیاسی این جنبش برپایی نظامی است که اساسا بر نابرابری و تبعیض و استعمار طبقاتی بنا نهاده شده است و لذا در این ساختار بناچار زنان و مردان نیز در مکانیزم بازار و تولید و خانواده و قوانین نابرابر اند. زن برای این جریان نماد "مادر خوب" و "زن فرمانبردار با فرهنگ و سنت ایرانی" است. اگر فاطمه برای اسلاميون نماد زن نمونه است، برای ناسیونالیستها تهمینه

صفحه 7

جنبشهای اجتماعی و مسئله آزادی زن

بخش اول ...

جنبش ملی اسلامی و جریانات آن بشدت سنتی و شرق زده، آخوند و اسلام زده، ضد مدرنیسم و سکولاریسم، جنبشی ضد تغییرات انقلابی و مشخصا ضد برابری طلبی سوسیالیستی و کمونیستی است. امروز امثال گنجی و عبادی بدنبال شکست تنوری "عدم تناقض اسلام با حقوق بشر و حقوق زنان" ظاهرا سکولار شده اند. این سکولاریسم قبل از اینکه حاصل یک بازبینی انتقادی به نقش مخرب مذهب در سیاست و قدرت و جامعه باشد مسئله ای عاریتی و کاسبکارانه است. این نیروها میدانند تمایل به سکولاریسم و حتی ضدیت با مذهب در ایران قوی است. لذا تلاش دارند سکولاریسم را رقیق کنند تا امکان تهاجم ضد اسلامی را سد کنند. این جریان در بهترین حالت و زمانی که سرنگونی رژیم اسلامی برای آن مسجل میشود، و لذا افق شراکت در قدرت اسلامی و اصلاح حکومت تماما کور میشود، اساسا به نیروی جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و جریانات پنتاگونیستی تبدیل میشود و در سنگر "حقوق بشر" و "دخالته بشر دوستانه" قرار میگیرد. در هر حال جنبش ملی اسلامی ربطی به مبارزه برای آزادی زن ندارد و حتی نمیتواند بعنوان یک جنبش جدی رفرمیستی برای بهبود واقعی حقوق زنان مبارزه کند. یک وجه پیشروی جنبش آزادی زن در ایران نقد تمام عیار اجتماعی و اثباتی این جریانات و افق ارتجاعی و ضد زن این جنبش است.

2- جنبش ناسیونالیسم پرو غرب

جنبش ناسیونالیسم طرفدار غرب مجموعه ای از جریانات سیاسی و تمایلات ناسیونالیستی را دربرمیگیرد که امروز اساسا توسط مشروطه خواهان و سلطنت طلبان نمایندگی میشود. سلطنت طلبی بخش کوچکی از این جنبش است اما این جریان بنا به

میان این جریان که مورد حمایت کل جنبش ملی اسلامی قرار گرفت کمپین یک میلیون امضا بود. در این کمپین طیفهای سیاسی مختلفی شرکت داشتند اما رهبری آن در دست ملی اسلامیهها بود که اساسا چهارچوب این کمپین را در خدمت پیروزی اصلاح طلبان حکومتی قرار داده بود و با شکست استراتژی اصلاح طلبی این کمپین هم پایان رسید. بن بست و شکست این کمپین و خروج فعالین اصلی آن از ایران تنها انعکاسی از بن بست و شکست استراتژی اصلاح حکومت است. بدون وجود جناح و نیروی فعال در میان خود حکومت اسلامی که بتواند چیزی برای تحرک این جریانات و وحدت آنها باشد، کل حرکت و پدیده "اصلاح حکومت" از هم می پاشد و به جریانات بی تاثیر در قلمرو سیاست تبدیل میشود. اگر امروز طرفداران "فمینیسم اسلامی" یکی بعد از دیگری سر از نهادهای غربی در می آورند و پشت سیاست دولتهای غربی و رژیم چنج تحت عنوان "حقوق بشر" میروند، اگر امروز کسی از "فمینیسم اسلامی" و سینه چاک دادن برای اصلاحات اسلامی و "جامعه مدنی" چیزی نمیشنود، اینها محصول بن بست و شکست استراتژی جنبشی است که قرار بود زنان و پتانسیل اعتراضی شان را به نیروی جنبش اسلامی و بقای نظام اسلامی تبدیل کند. اگر امروز این نیروها دیگر دنبال کمپین عرض حال به مجلس ارتجاع و آخوندهای کپک زده برای "دیه برابر" نیستند، به این دلیل است که استراتژی جنبش شان در سطحی کلان تر شکست خورد و "جنبش زنان" که قرار بود حاشیه ای بر متن استراتژی "اصلاح نظام" باشد، دیگر در همین حد هم و تا اطلاع ثانوی موضوعیت خود را از دست داده است. فعلا زمان آنست که فعالین این جنبش دنبال گرفتن جوانز و امکانات از نهادهای غربی و تحکیم کاربرد حقوق بشری خود باشند تا در دور بعدی بعنوان سوپاپ های اطمینان کنترل رادیکالیسم زنان و دفاع از راست در مقابل چپ بمیدان بیابند.

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

جنبشهای اجتماعی و مسئله آزادی زن

بخش اول ...

اگر قرار است به قدرت نزدیک شوند، باید بدوا پتانسیل رادیکال و انقلابی را کنترل کنند. زنان و حقوق و آزادی آنها برای جنبش ناسیونالیسم پرو غرب امری تزئینی و درباری و تشریفاتی است و با اهداف اقتصادی و تمایلات فرهنگی و شرق زدگی سلطنت جور در نمی آید. زنان "شجاع و غیور" و "شیر زنان ایرانی"، تنها زمانی برای ناسیونالیسم پرو غرب موضوعیت دارند که بتوانند سربازان رسیدن این جناح بورژوازی به قدرت سیاسی باشند.

آزادی و برابری زنان و مردان پلاتفرم و اولویت جنبش ناسیونالیسم پرو غرب نیست و در این راه سیاست و کار خاصی انجام نمیدهد. آنچه هست نسنالژی و مجموعه ای از خاطرات و توسل به گذشته در مقابل وضعیت سیاه حاضر است. ناسیونالیسم مانند مذهب فی النفسه ضد آزادی و برابری زن و مرد است و بعنوان مانعی ارتجاعی باید از سر راه مبارزه برای آزادی جامعه کنار زده شود.

ادامه دارد ...

پرو غرب بحدی در قلمرو زنان عقب افتاده است که رضا پهلوی دست بدامن کمپین یک میلیون امضا "برای بازنمایی مشکلات بغرنج زنان در جامعه دینی ایران" میشود. رضا پهلوی که مانند جنبش ملی اسلامی از رادیکالیسم زنان در جامعه ایران خبر دارد، نمیتواند وحشت اش را پنهان کند و "راه رسیدن به دموکراسی را اتکا به نافرمانی مدنی و مبارزه به دور از خشونت" میداند!

تمام جناح های بورژوازی و جریانات و جنبش های سیاسی شان در وحشت از انقلابیگری و آزادیخواهی اشتراک دارند. همه اینها موعظه "نافرمانی مدنی"، "مبارزه بدور از خشونت" آنهم در نظام ضد زن اسلامی که تماما مبتنی بر خشونت است، میخوانند. همه اینها

نماد زن اصیل ایرانی است. این جریان از نظر فرهنگی عقب ماندگی جنبش اسلامی را ندارد اما بشدت مردسالار و ضد زن است. آزادی زن در فرهنگ این جریان "بی بند و باری" تلقی میشود. مذهب و اسلام برای این جنبش اگر نه مثل حکومت اسلامی اما جایگاه مهمی دارد. این جنبش با قوانین وحشی اسلامی مانند سنگسار مخالف است اما زنی که نرمهای ایرانی - اسلامی را در هم شکند، زن عصیانگر و آزادیخواه، نماد ضدیت با اخلاق و سنت خانواده ایرانی است.

جنبش ناسیونالیسم پرو غرب ضد برابری زن و مرد است و بنا به ماهیت بورژوازی و طبقاتی خود نمیتواند افق برابری اقتصادی زن و مرد را نمایندگی کند. این جنبش از نظر فرهنگی و اخلاقی بشدت مخالف نرمهای پیشرفته و امروزی است و در ادبیات و سیاست درجه زیادی از لمپنیسم و مردسالاری نهادینه در آن را نمایندگی میکند. برای این جریان در بهترین حالت زن "بانوی ایرانی" است که به حاکمیت بلامنزاع مردانه - نابرابر نظام بورژوازی تمکین میکند. این جنبش تاکنون حرفی برای آزادی زن نداشته است و کمتر خود را درگیر جنبش آزادی زن کرده است. تا به مسئله زن مربوط است، اهداف و سیاست سخنگویان و رهبری جنبش ناسیونالیسم پرو غرب با اهداف و سیاست سخنگویان و رهبری جنبش ملی اسلامی تطابق کامل دارند. دنباله روی از برخی از اعتراضات زنان و تبریک های موسمی و شاهانه بمناسبت روز زن و وعده استیفای حقوق زنان در "جامعه ای که حقوق بشر را پاس میدارد"، نهایت وعده این جریان در قلمرو مسئله زن است. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب فاقد سیاست و استراتژی مشخصی برای آزادی زن است. این جنبش و جریانات آن در بهترین حالت وعده "لغو حجاب اجباری" و شرکت زنان در جامعه و فعالیتهای آن را میدهد. جنبش ناسیونالیسم

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

حکومت ضد زن سرنگون، سرنگون!

نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

5- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمگشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

6- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

از برنامه یک دنیای بهتر

رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بغوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

1- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

2- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

3- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

4- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در اداء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و

زنده باد آزادی زن!